

### عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر میزان مشارکت اجتماعی بازنشستگان (مطالعه موردی: شهرداری تهران)

مصطفی منتظر المهدی<sup>۱</sup>، رضا صمیم<sup>۲</sup>، رضا مهدی<sup>۳</sup>، فاطمه صدیقیان بیدگلی<sup>۴</sup>

#### چکیده

مطالعه حاضر به بررسی میزان مشارکت اجتماعی بازنشستگان سازمان بازنشستگی شهرداری تهران و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن پرداخته است. روش این مطالعه کمی بوده و داده های مورد نیاز از طریق اجرای پیمایش و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شده است. جامعه آماری آن عبارت است از بازنشستگان بالای ۶۵ سال تحت پوشش سازمان بازنشستگی شهرداری تهران که ۲۲۵۵ نفر است. از این تعداد با استفاده از فرمول های موجود نمونه ای ۳۸۹ نفری انتخاب شده و مورد پرسش قرار گرفته اند. همچنین، در این تحقیق برای توصیف داده ها از شاخص های حدوسط، پراکندگی و توزیع و برای تجزیه و تحلیل داده ها و استنباط آماری از آزمون های آماری همبستگی استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که در کل میزان مشارکت اجتماعی نمونه مورد مطالعه پایین است. تعداد کمی از آنها دارای مشارکت اجتماعی متوسط و یا زیاد هستند. همچنین نتایج تبیینی حاصل از آزمون فرضیات نشان می دهد که بین هیچ یک از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته میزان مشارکت اجتماعی بازنشستگان مورد مطالعه ارتباط معناداری وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** مشارکت اجتماعی، بازنشستگی، شهرداری تهران، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۲۷

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: mostafa\_montazer@yahoo.com)

<sup>۲</sup> استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران (Email: reza.samim@gmail.com)

<sup>۳</sup> استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران (Email: reza.mahdi@yahoo.com)

<sup>۴</sup> استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران (f\_sedigian@yahoo.com)

## مقدمه

حمایت از بازنشستگان در دوران از کار افتادگی و سالمندیشان که از ایده های دولت رفاه به شمار می آید از مهمترین عوامل ایجاد حس رضایت و امنیت در قشری از جامعه است که احتمالاً در آینده ای نچندان دور بخش قابل توجهی از جمعیت را در بر خواهند گرفت. با توجه به تغییراتی که ساختار جمعیتی در ایران در نتیجه کاهش میزان زاد و ولد و افزایش سطح بهداشت با آن مواجه است، سالمندان بازنشسته در آینده به قشری تاثیر گذار به لحاظ اخلاقی و عاطفی در جامعه تبدیل خواهند شد. حمایت از این قشر، ضامن امنیت روانی و عاطفی کل جامعه خواهد بود. از جمله این حمایت ها می توان به تلاش برای تداوم حضور فعال بازنشستگان و سالمندان در جامعه و کمک به افزایش مشارکت اجتماعی آنها است. مطالعات صورت گرفته نشان می دهد که مشارکت اجتماعی در دوران سالمندی علاوه بر کاهش میزان مرگ و میر، از کار افتادگی و افسردگی در سالمندان، منجر به احساس سلامتی، بهبود سلامت شناختی و رفتارهای سلامتی آنها نیز می شود (درویش پور کاخکی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۶). افزایش مشارکت اجتماعی باعث می شود که سالمندی به دورانی موفق بدل شود. به همین دلیل مشارکت اجتماعی یکی از مهمترین ضرورت های جامعه است. از آنجایی که سالمندان در دوران بازنشستگی زمان کمتری به فعالیت های مرتبط با شغل اختصاص یافته و در نتیجه بازنشستگان وقت بیشتری در طول روز در اختیار دارند بیشتر به مشارکت اجتماعی نیاز پیدا می کنند. در واقع، این وقت آزاد نشان دهنده اهمیت زیاد مشارکت اجتماعی در این دوره است. با توجه به اینکه مشارکت اجتماعی بیشتر، با سلامت روان و کیفیت زندگی بالاتر در ارتباط است، بهبود و ارتقای مشارکت اجتماعی افراد سالمند یکی از اهداف سازمان بهداشت جهانی در ارتباط با سالمندان است (میلاد برجی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۹). در تجربه کشورهای دیگر نیز توجه ویژه به عوامل اجتماعی و فرهنگی جهت ارتقای سطح رضایت سالمندان از خدمات رفاهی دیده می شود. به طور مثال در سال ۱۹۹۰ میلادی دولت سوئد از کتابخانه ها خواست تا در ایجاد امکانات برای سالمندانی که نمی توانند برای مطالعه به کتابخانه مراجعه کنند کمک کنند. این فراخوان به اجرای طرحی موسوم به «همگانی بودن کتابخانه های عمومی برای تمام سنین» انجامید. طرحی که رضایت سالمندان را در برداشت بی آنکه بر عوامل اقتصادی تاکید داشته باشد. در ارتباط با این طرح گروه های مطالعاتی ای تشکیل شد که این گروه ها علاوه بر آنکه هدف دسترسی آسان تر به کتاب را برای سالمندان فراهم می کردند به ایجاد تجربه ی مشارکت اجتماعی فعال که سالمندان به علت دوری از محیط های اجتماعی از آن بی بهره بودند نیز انجامید (Irvall, 2002).

در ایران، علیرغم اهمیت توجه جدی به برنامه های حمایتی سالمندان، به نظر می رسد که امروز سیاست های حمایتی از این قشر تا حدود بسیاری ناکارآمد است و همواره اعتراض سالمندان بازنشسته را در پی داشته است. به طور مثال اعتراض بازنشستگان آموزش و پرورش و سایر دستگاه ها که از پربسامدترین اعتراضات بازنشستگان در سال های اخیر است نشان از مسئله شدن رفاه برای این قشر وسیع جمعیتی است.

این قبیل اعتراضات در میان بازنشستگان شهرداری تهران نیز به چشم می خورد. از آن جمله است اعتراضات بازنشستگان شهرداری منطقه ۱۲ شهر تهران که البته مانند سایر موارد، بیشتر حول کمبودهای اقتصادی است. هر چند اعتراضات عمده بازنشستگان حول کمبودهای اقتصادی است ولی به نظر می رسد این اعتراضات و نارضایتی ها صرفاً به دلایل اقتصادی بروز نمی کند. در بسیاری از درخواست های کتبی و شکایات که بازنشستگان شهرداری تهران به سازمان بازنشستگی این نهاد ارسال می کنند عدم حمایت های اجتماعی و فرهنگی مانند عدم حمایت سازمان برای ارتقای سطح شبکه روابط اجتماعی بازنشسته، عدم حمایت سازمان از بازنشسته سالمند در برابر برخی فشارها که از طرف خانواده خود سالمندان به وجود می آید، عدم حمایت سازمان از بازنشسته در جهت ایجاد شبکه های غیر رسمی اجتماعی و حتی گروه های دوستی و ارتباطات صمیمانه اشاره شده است.

سازمان بازنشستگی شهرداری تهران از موسسات بزرگ حمایت و تامین اجتماعی در ایران است که در اصل، تامین اجتماعی پرسنل رسمی شهرداری تهران را بر عهده دارد. این سازمان در حدود ۲۷۰۰ سالمند بازنشسته و قریب به ده هزار خانواده بازنشسته و موظفی

بگیر را تحت پوشش دارد. این سالمندان بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و پایگاهی، تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها برخی سیاست‌های متمرکز رفاهی را در این سازمان با چالش مواجه کرده است. تدوین سیاست‌های رفاهی در این سازمان، از آنجا که به شهرداری به عنوان نهادی عمومی و نه دولتی تعلق دارد از انعطاف بیشتری در مقایسه با سازمان‌های دولتی دیگر برخوردار است.

علی‌رغم امکان این انعطاف بیشتر، نوعی تمرکزگرایی و خاص‌گرایی در تدوین سیاست‌های این سازمان وجود دارد که گاه موانعی جدی در ایجاد رضایت از خدمات رفاهی در میان سالمندان بازنشسته تحت پوشش آن را ایجاد می‌کند. برخی قوانین موجود در مجموعه آیین‌نامه‌های مصوب در این سازمان که در هیئت مدیره و کمیته‌های "فرهنگی و بازنشستگی" به تصویب می‌رسد نشان دهنده میل سیاستگذار در سازمان بازنشستگی شهر تهران در شکستن مرزهای این تمرکزگرایی است. این پیش‌فرض اساسی در فعالیت‌های رفاهی سازمان بازنشستگی شهرداری تهران وجود دارد که نمی‌توان چنین فعالیت‌هایی را صرفاً فعالیتی اقتصادی به قصد تامین صرف معیشت سالمندان بازنشسته در نظر گرفت. نقش حاکمیتی حمایت اجتماعی سازمان‌هایی از این دست ایجاب می‌کند که هدف اصلی نه تنها تامین اقتصادی بلکه انتقال نوعی هویت اجتماعی و فرهنگی به سالمندان بازنشسته و خانواده‌های تحت تکفل آنها باشد. سالمندان بازنشسته تحت پوشش این سازمان در بسیاری موارد دارای نفوذ فرهنگی و اجتماعی چشم‌گیری در میان چند نسل از خانواده‌های خود هستند. ایجاد حس رضایت در میان این سالمندان می‌تواند در میان چند گروه نسلی از خانواده‌های آنان حس تعلق سازمانی ایجاد کند.

با توجه به سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان توجه چنین عوامل فرهنگی و اجتماعی را به شرکت‌های خصوصی واگذار کرد. از آنجا که نقش آفرینی سازمان‌های بازنشستگی به عنوان نهادهایی که به ساختن هویت در افراد تحت پوششان می‌پردازند حاکمیتی است باید برنامه‌های حمایتی غیر اقتصادی نیز بر اساس برنامه‌ریزی‌های کلان صورت گیرد. این قبیل برنامه‌ریزی‌ها با این توجیه که وقت گیرند یا در مقایسه با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در اولویت نیستند در اغلب سازمان‌های بازنشستگی اصولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در تعداد اندکی از سازمان‌های بازنشستگی نیز اینگونه خدمات به بخش‌های خصوصی واگذار می‌شود. بخش‌های خصوصی نیز به آن علت که هدفشان بالابردن سود است تلاششان ارائه کمترین و بی کیفیت‌ترین میزان خدمات غیر اقتصادی است.

به نظر می‌رسد تمرکز بر برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی و افزایش توان بازنشستگان در مشارکت‌های اجتماعی در سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به علت برخی موانع سیاستگذارانه به حد کفایت رخ نداده است. تمرکز صرف بر مسائل اقتصادی و گسترش طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، بیشتر به ایجاد حس رضایت مقطعی انجامیده است. تجربه زیسته برخی سیاستگذاران در سازمان نشان می‌دهد، گاه هر چه بر تنوع طرح‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن حمایت‌های اجتماعی و فرهنگی افزوده می‌شود، میزان رضایت تفاوت محسوسی نشان نمی‌دهد. بازنشسته‌ها در کنار گسترش طرح‌های اقتصادی، انتظار دارند نوعی امنیت روانی غیر اقتصادی در آنها ایجاد شود. جنس این امنیت، بیشتر فردی و کمتر سازمانی است و نیازمند آن است که افراد و نیازهای فرهنگی و اجتماعی ویژه آنها مبتنی بر پایگاه فرهنگی‌شان مورد شناسایی قرار گیرد. همانطور که اشاره شد نیاز به حضور در جامعه و مشارکت اجتماعی بازنشستگان از جمله مهمترین این نیازها است.

این مقاله قصد دارد ابتدا میزان مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته شهرداری تهران را مورد سنجش و بررسی قرار دهد و سپس به شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بهر دزد. به همین خاطر در گام نخست این عوامل را شناسایی و سپس تاثیر هر یک از آن عوامل را در مشارکت اجتماعی میان سالمندان بازنشسته‌ی تحت پوشش سازمان بازنشستگی شهرداری تهران مورد بررسی قرار خواهیم داد. مسئله اصلی این است که مشارکت اجتماعی بازنشستگان سازمان بازنشستگی شهرداری تهران چگونه بوده و چه عواملی بر میزان ایت مشارکت تأثیر دارند.

**مروری بر پیشینه تجربی و ادبیات نظری**

یکی از قسمت‌های مهم تحقیق علمی، مرور تحقیقات پیشین است که به محقق کمک می‌کند بینش وسیع تری نسبت به موضوع مورد نظر خود به دست آورد. از آنجایی که موضوع پژوهش مربوط به نهادی خاص به نام شهرداری تهران است سعی شده است که بیشتر به پژوهش‌هایی پرداخته شود که در مورد بازنشستگان این سازمان انجام شده است. با این حال برخی از مهمترین پژوهش‌های انجام شده در مورد مشارکت اجتماعی سالمندان و بازنشستگان نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

در بیشتر مطالعاتی که بر روی سالمندان بازنشسته در تهران صورت گرفته است تلاش شده در ابتدا رضایت سالمندان بازنشسته از خدمات رفاهی مورد سنجش قرار گیرد. اصولاً سنجش میزان رضایت، مقدمه‌ای اساسی برای ورود به ارزیابی و شناسایی تاثیر عواملی است که میزان رضایت را تعیین می‌کنند. برخی از تحقیقات که در جدول زیر به آن اشاره شد از چارچوب نظری کیفیت زندگی بهره برده بودند. بر این اساس بالا رفتن کیفیت زندگی سالمندان بازنشسته را مساوی با افزایش سطح رضایت آنها از خدماتی گرفته بودند که از سازمان‌های بازنشستگی تابعشان دریافت می‌کنند. همچنین در برخی از تحقیقات مربوط به خارج از این سازمان بر موضوع مشارکت اجتماعی تأکید شده است. با این حال اغلب مطالعات در رشته پرستاری و سایر رشته‌های مرتبط با بهداشت و سلامت انجام شده و به همین خاطر کمتر از رویکردی اجتماعی و فرهنگی برخوردار هستند.

بنابر این به طور کل می‌توان گفت که آنچه به نظر در پیشینه مورد توجه قرار نگرفته و در این مقاله تلاش خواهد شد بر آن تمرکز گردد اولویت دادن به مشارکت اجتماعی سالمندان و عوامل مرتبط با آن است.. خلاصه ای از پژوهش‌های مورد بررسی در جدول زیر آمده است.

**جدول (۱): خلاصه ای از پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق**

ردیف	نویسنده	سال	موضوع	جامعه آماری	نتایج
۱	عزت ا... آرام	۱۳۷۶	بررسی و شناخت وضع موجود سالمندان در شهر تهران	سالمندان شهر تهران	نزدیکی پارک‌های داخل شهر به محل سکونت سالمندان این فرصت را بوجود آورده است که سالمندان بیمار به جای ماندن در خانه، به پارک مراجعه کنند و در حقیقت در پارک‌ها استراحت کنند را موجب شده است. از نظر محقق در تحقیق فوق‌الذکر احتمالاً در آینده نزدیک پارک نشینی در بین سالمندان تهران به نوعی "هنجار رفتاری" برای دوران پیری تبدیل می‌شود و فراگیر می‌گردد.
۲	معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران،	۱۳۸۹	بررسی میزان رضایت بازنشستگان شهرداری درباره خدمات ارائه شده از سوی شهرداری به ایشان	بازنشستگان شهرداری تهران	در این تحقیق میزان رضایت سالمندان بازنشسته متوسط رو به بالا ارزیابی شده است.
۳	محمد زاهدی اصل	۱۳۹۱	نقش خدمات مددکاری اجتماعی در ارتقاء کیفیت زندگی افراد سالمند دریافت کننده خدمات مددکاری اجتماعی از موسسه خیریه کهریزک، محمدشهر کرج،	تمامی افراد سالمند (۱۴۵ نفر) ۶۰ تا ۸۵ سال (دارای پرونده در موسسه خیریه کهریزک محمد شهر کرج می‌باشند که ۲۴ نفر از آنها شامل ۱۳ زن و ۱۱ مرد به عنوان نمونه)	خدمات مددکاری اجتماعی ارائه شده به افراد سالمند از سوی موسسه بیشتر در حوزه‌ی اقتصادی در رابطه با افراد سالمند بی بضاعت موثر بوده و به طور کلی با توجه به سطح کمی و کیفی آنها، غالباً تأثیر غیرمستقیم و نامحسوسی در کیفیت زندگی افراد سالمند داشته است.

۴	عزت‌الله سام‌آرام	۱۳۹۲	بررسی کیفیت زندگی سالمندان شهر تهران و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه منطقه ۶)	سالمندان بالای ۶۰ سال شهر تهران با مطالعه موردی منطقه ۶	رابطه سن، جنس، وضعیت تاهل، سواد، وضعیت تملک مسکن و میزان ارتباط با خانواده بیشتر باشد کیفیت زندگی بالاتر است از طرفی هرچه سطح اقتصادی و اجتماعی سالمند بالاتر باشد اعضای خانواده با کیفیت زندگی تایید گردید. در واقع هرچه حمایت‌های اجتماعی سالمندان مخصوصاً در کیفیت زندگی بهبود می‌یابد که هم بعد عینی و هم بعد ذهنی کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد.
۵	نیکتا حاتمی‌زاده	۱۳۸۴	بررسی کیفیت زندگی سالمندان بازنشسته عضو سازمان بازنشستگی ساکن شهر تهران در سال ۱۳۸۴	بازنشستگان بالای ۶۰ سال مشترک (عضو) سازمان بازنشستگی کشوری هستند.	زنان نسبت به مردان کیفیت زندگی نامطلوب‌تری داشتند. همچنین کیفیت زندگی با افزایش سن کاهش می‌یابد. هویزه در قلمروهای مشکل جسمانی، سلامت عمومی، درد جسمانی، کیفیت زندگی با افزایش سن، کاهش بیشتری نشان می‌دهد. در حالی که در قلمروهای مربوطه حیطه سلامت ذهنی، کیفیت زندگی با افزایش سن افزایش می‌یابد. از سوی دیگر با افزایش سطح تحصیلات، کیفیت زندگی به‌ویژه در حیطه سلامت ذهنی افزایش یافته است.
۶	ملیحه شیانی	۱۳۹۰	بررسی تاثیر برنامه های اجتماع محور بر میزان رفاه ذهنی سالمندان: مطالعه موردی کهریزک شعبه کرج	سالمندان ۶۰ سال به بالای آسایشگاه کهریزک (شعبه کرج)	سالمندانی که در برنامه‌های اجتماع محور شرکت داشته و خدمات معناداری را دریافت کرده‌اند، از میزان رفاه ذهنی بیشتری برخوردار بوده‌اند.
۷	سام شیما و همکاران	۱۳۹۴	«وضعیت نشانگان بازنشستگی در بازنشستگان» تحقیقی است که سام شیما و همکاران در سال	بازنشستگان بالای ۵۰ سال شهر بابل	احساس درماندگی و شکست با احساس سردرگمی و تعارض همبستگی مستقیم داشت. همچنین احساس تلاش و جهت‌گیری جدید با احساس پیری و بطلت همبستگی مستقیم و با احساس درماندگی و شکست همبستگی معکوس داشت. به طور کل نتایج طرح نشان داد که کمابیش بازنشستگان شهرستان بابل از نشانگان بازنشستگی رنج می‌برند. لذا توجه به این قشر و بهبود شرایط افراد بازنشسته ضروری به نظر می‌رسد.
۸	علی درویش و پورکاخکی و همکاران	۱۳۹۳	میزان مشارکت اجتماعی، موانع و عوامل مرتبط با آن در سالمندان شهر تهران	سالمندان بالای ۶۰ سال شهر تهران	۳۷/۷ درصد از سالمندان تمایلی برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی نداشته‌اند. مهمترین عوامل کاهش مشارکت عبارتند از هزینه‌ها (۳۶ درصد)، بیماری (۳۰ درصد) و مشکلات رفت و آمد (۲۷/۳ درصد). همچنین سالمندان با سن پایین‌تر، مرد، متأهل، دارای تحصیلات دانشگاهی و با تعداد فرزندان کمتر دارای مشارکت بهتری هستند.
۹	میلاد برجی و دیگران	۱۳۹۴	مقایسه مشارکت اجتماعی سالمندان وابسته و مستقل شهر ایلام در سال ۱۳۹۴	سالمندان استفاده‌کننده و بدون نیاز به وسایل کمک حرکتی شهر ایلام	مشارکت اجتماعی در سالمندان مستقل و وابسته از نظر وسایل کمک حرکتی اختلاف آماری معناداری وجود دارد و سالمندانی که از این وسایل استفاده می‌کنند

کنند مشارکت اجتماعی شان کم است. همچنین بین مشارکت اجتماعی افراد سالمند با سن، جنسیت و تحصیلات ارتباط معناداری وجود دارد.					
بین مشارکت اجتماعی و کیفیت زندگی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین مشارکت غیر نهادی در بین سالمندان غلبه بیشتری دارد.	کلیه سالمندان عضو کانون های سالمندی شهر تهران	بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و کیفیت زندگی سالمندان عضو کانون های سالمندی شهر تهران در سال ۱۳۹۰	۱۳۹۱	شیرزاد مرادی و دیگران	۱۰

### مباحث نظری و مفهومی تحقیق

این ایده که شهروندان یک دولت، همگی باید حداقل امکانات لازم برای گذران زندگی را در اختیار داشته باشند به ایده رفاه مشهور است و پیشینه‌ای صد ساله دارد. برای اینکه این ایده طرح گردد، اولاً لازم بود مفهوم دولت (State) به گونه‌ای تکامل یابد که به عنوان میانجی‌ای جهت تنظیم مناسبات اقتصادی و اجتماعی شهروندان معنا گردد و ثانیاً نیاز بود مناسبات اقتصادی به عنوان با اهمیت ترین شکل کنش انسانی طرح گردد.

دولت رفاه دولتی است که در آن تامین و بهبود رفاه عمومی و همگانی وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. در این نظام اقتصادی، دولت به همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تامین کنند یاری رسانی می‌کند. این کار از طریق پرداخت مستمری صورت می‌گیرد (رحیق اقصان، ۱۳۸۴: ۴۰۳). در دولت‌های رفاه تامین نیازها و حمایت اجتماعی از گروه‌های خاص و اقلیت در اولویت قرار دارد. یکی از این گروه‌های خاص سالمندانند که دولت‌ها و نهادهای وابسته به قدرت موظفند تمام ساز و کارهای برای تامین نیازهای آنان را فراهم آورند.

نظریه‌ی اصلی این تحقیق که چارچوب نظری ذیل آن سامان می‌یابد نظریه رفاه است. نظریه رفاه صورت سامان یافته آنچیزی است که پیش از این با عنوان ایده رفاه از آن نام بردیم. «نظریه رفاه ابزاری است تا به مدد آن اصول حاکم بر طراحی و اجرای سیاست های اجتماعی را بشناسیم و تاثیر این سیاست ها را بر جملگی افراد جامعه دریابیم» (پتريک، ۱۳۸۱: ۸). پس بر این اساس نکته بسیار مهم آن است که در فهم مفهوم رفاه اجتماعی، سیاست اجتماعی به مثابه یک مفهوم و البته نظریاتی که آن را پشتیبانی می‌کند از اهمیت برخوردار است. بنابراین باید گفت در این تحقیق هر جا از نظریه های رفاه سخن گفته خواهد شد دیدگاه ها پیرامون سیاست اجتماعی نیز مطمح نظر خواهد بود.

نظریه های رفاه اجتماعی به دو دسته کلی نظریه های فردگرایانه رفاه اجتماعی و نظریه های جمع گرایانه رفاه اجتماعی تقسیم می‌گردد. در نظریه های فردگرایانه رفاه اجتماعی اعتقاد بر این است که «پیشرفت های رفاهی فقط حاصل تبادلات و خرید و فروش افراد در بازار یا از طریق تولید محصولاتی است که مورد نظر افراد باشد» (باری، ۱۳۸۰: ۱۵). نظریه های فردگرایانه رفاه اجتماعی بیشتر متأثر از فلسفه‌ی اقتصاددانان سیاسی است و نوعی لیبرالیسم یا نئولیبرالیسم اقتصادی و سیاسی در آن نهفته است. نظام های حمایتی و شیوه های اعمال کنش های نظارتی و البته آرمان ها و اهداف تا حدودی با آنچه نظریه های جمع گرایانه رفاه اجتماعی در صدد تبیین آن هستند متفاوت است. در نظریه های جمع گرایانه رفاه اجتماعی اعتقاد بر این است که ضرورت های رفاهی باید از بعد جمعی تفسیر گردند. بر اساس این نظریه ها ارزش های اجتماعی ای وجود دارد که باید مستقل از اختیارات افراد ارتقا یابد تا سطح رضایت افزایش یابد: «در این دیدگاه پدیده های جمعی از لحاظ چگونگی کاهش فقر و محرومیت و میزان ارتقای مساوات با هم مقایسه می شوند و در آن، ابزار آلات رفاهی بر اساس عملکرد مربوط به بالا بردن میزان کالاهای مادی ارائه می شود» (همان). در نظریه های جمع گرایانه با تکیه بر مفاهیمی چون مسئولیت عمومی و مشارکت که ارزش های اجتماعی درون جامعه مدنی به حساب

می آیند، انسان ها کنش گران ایجاد فضایی به حساب می آیند که قرار نیست به سبب منفعت طلبی افسار گسیخته فردی هر آن به نابودی و بحران نزدیک گردد.

در این تحقیق، با توجه به برخی خصوصیات جامعه ایرانی، در نوع نگاه به سیاست های اجتماعی تدوین شده برای سالمندان بازنشسته، نظریه های جمع گرایانه رفاه اجتماعی را مدنظر قرار خواهیم داد. نظریه های جمع گرایانه رفاه این امکان را به تحقیق حاضر می دهد که نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی و به ویژه مشارکت اجتماعی را در نیل به رفاه اجتماعی بررسی کند. نظریات بسیاری در باب اهمیت و نقش این عوامل در ایجاد رفاه به خصوص نزد سالمندان به عنوان گروهی خاص وجود دارد. به طور مثال لاوتن (۱۹۸۳) بهزیستی و رفاه سالمندان را در گرو توانایی ها و شایستگی های رفتاری و اجتماعی، کیفیت زندگی دریافت شده، رفاه و بهزیستی روان، محیط فیزیکی عینی و خارج از منزل سالمندان می داند و مفهومی چهاربعدی از زندگی مطلوب یک سالمند ارائه می دهد. از نظر وی کیفیت زندگی به وسیله ابعاد ذهنی، روانی، بیرونی و محیطی اندازه گیری می شود. در اینجا لاوتن از مفهوم «کیفیت زندگی» سالمند بهره برده است. این مفهوم ناظر به مجموعه شرایطی است که در آن، سالمند، نوعی سالمندی موفق (Successful Aging) را تجربه می کند.

بازنشستگان سالمند از آنجا که پیش از بازنشستگی تجربه حضور اجتماعی و مشارکت فعال را داشته اند عموماً با چالش های بیشتری مواجهند. شوارتز بازنشستگی را انتقال به الگوی تازه زندگی معرفی کرده و بهترین راه برای حل مشکلات آنان را ارائه خدمات رفاهی بر می شمرد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷). در حقیقت خدمات رفاهی قرار است علاوه بر آنکه نیازهای اقتصادی سالمندان بازنشسته را تامین می کند برخی چالش های ناشی از دوری آنها از محیط اجتماعی را نیز برطرف سازد. در این صورت است که می توان مطمئن بود سالمند بازنشسته نوعی سالمندی با کیفیت را تجربه خواهد کرد.

اشلی، بازنشستگی را در جهت جابجایی نقشی به نقش دیگر تفسیر می کند و بیان می دارد که در این جابجایی ممکن است کیفیت زندگی افراد با مخاطره مواجه شود (همان). همانطور که نظریه پردازانی چون لنینگر به نقش فرهنگ و جامعه و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی حمایتی در ارتقای رضایت افراد از زندگی توجه کرده اند می توان گفت در انتقال نقشی که در جریان بازنشستگی صورت می گیرد می توان به نقش ساختارهای حمایتی اجتماعی و فرهنگی در جلوگیری از تنزل رضایت بازنشستگان از زندگی و میزان کیفیت زندگی شان اشاره کرد (محمدی و حسین چاری، ۱۳۸۸).

یکی از پیامدهای بازنشسته شدن علاوه بر مشکلات اقتصادی به علت کاهش درآمد، از دست دادن شغل به عنوان منبعی برای تامین منزلت اجتماعی مطلوب است. در حقیقت بازنشستگی از بین برنده نوعی منزلت اجتماعی است. از دست رفتن منزلت، بر رضایت فرد از زندگی تأثیری اساسی دارد. هندری و مک ویتی بیان می دارند که بازنشستگانی که از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند یعنی بعد از بازنشستگی شبکه روابط اجتماعی شان را حفظ می کنند از چالش های کمتری در شاخص های کیفیت زندگی برخوردارند (گروسی و نقوی، ۱۳۸۷). به بیان دیگر میزان مشارکت اجتماعی یعنی درگیری فرد سالمند در روابط و تعاملات اجتماعی تعیین کننده تجربه یک سالمندی موفق است.

یکی دیگر از نظریاتی که مشارکت اجتماعی سالمندان را مورد بحث قرار داده است نظریه عدم مشارکت (Disengagement Theory)<sup>۱</sup> کامینگز و هنری است. بر اساس این نظریه، فرد در سال های میانی عمر، فناپذیری و مرگ خود را یاد می کند و تدریجاً برخوردهای خود را با اجتماع و دیگران کاهش داده و همزمان جامعه نیز، متقابلاً فرد را از خود جدا می سازد (Bengston and Poutney, 2009:32) هر چند کامینگز و هنری از این وضعیت به مثابه فرصتی برای فراغت سالمند از تعهد یاد می کنند ولی این وضعیت می تواند دربردارنده چالشی خطرناک نیز باشد. به ویژه زمانی که این نظریه را در کنار نظریه فعالیت (Activity Theory) قرار می دهیم می توان به ضرورت درگیری سالمند در فعالیت های اجتماعی برای دوری از آسیب های احتمالی پی برد. در نظریه

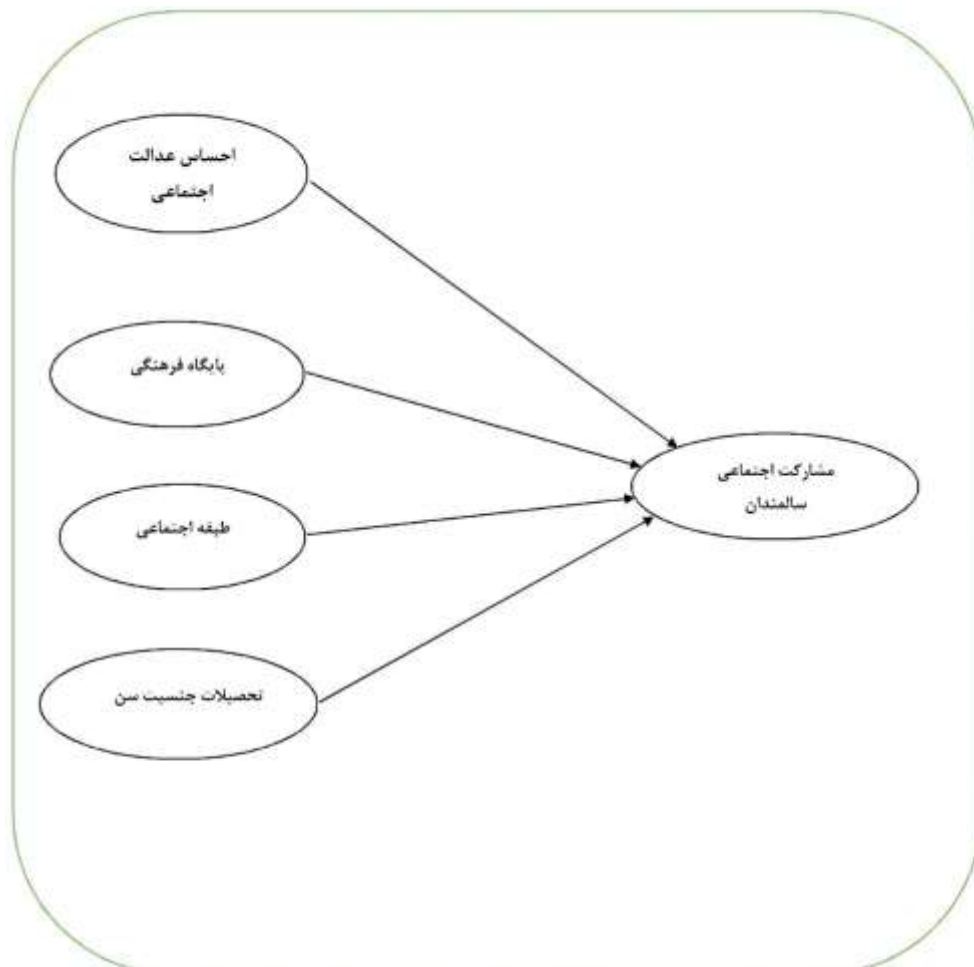
<sup>۱</sup> . ترجمه این ترکیب از شبانی و زارع (۱۳۹۲) گرفته شده است. برخی دیگر این ترکیب را به عدم تعهد ترجمه کرده اند.

فعالیت اعتقاد بر این است که فعالیت سلامت را در سالمندی افزایش می‌دهد. بنابراین بزرگسالانی که فعال می‌مانند در فعالیت‌ها، تشویق شده و جایگاه‌ها، روابط، سرگرمی‌ها و علایق جدیدی را بدست می‌آورند و با احساس رضایت و آرامش، پیر می‌شوند. یک سالمند نمونه، سالمندی است فعال، که ارتباطات اجتماعی خود را حفظ کرده و با فعالیت‌های جمعی، مسافرت‌ها و داشتن سرگرمی‌ها مشغول است. بنابر نظریه فعالیت، پیری موفقیت‌آمیز ایجاب می‌کند که نقش‌های تازه‌ای کشف شود و یا برای حفظ نقش‌های قدیم، وسایل تازه‌ای بوجود آید و برای آنکه این آرمان تحقق یابد، لازم است که در آینده ارزش سن را بازنشاسیم و سالمندان را عهده‌دار نقش‌های جدیدی کنیم. نقش‌هایی که از نظر اجتماعی ارزشمند است (همان).

جیمز داود، جامعه‌شناس شهیر سالمندی نیز به نقش مشارکت اجتماعی در ایجاد یک تجربه موفق از سالمندی اشاره کرده است (شیانی و زارع، ۱۳۹۲: ۲۲). به نظر می‌رسد بر اساس این نظریات یکی از وظایف سازمان‌های حمایت‌کننده از سالمندان بازنشسته را باید طراحی برنامه‌هایی برای درگیری و بالا بردن میزان مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته در تعاملات دانست چرا که احتمالاً چنین کنشی به بالا بردن میزان رضایت فرد سالمند از خدمات رفاهی‌ای که دریافت می‌کند می‌انجامد و دریانی کلی تر رضایت او از زندگی‌اش را سبب می‌شود.

### مدل نظری و ارائه فرضیه‌های تحقیق

در ادامه بر اساس نظریه‌های مطرح شده مدل نظری و فرضیه‌های تحقیق ارائه می‌گردد. طبق آنچه گفته شد و با توجه به مسئله اصلی تحقیق مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته‌ای در نظر گرفته شده است که می‌تواند تحت تأثیر متغیرهایی همچون احساس منزلت اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی، پایگاه فرهنگی، طبقه اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای مانند جنسیت، سن و تحصیلات قرار دارد.





## فرضیه های تحقیق

- سن (سالمندی جوان یا سالمندی پیر) با میزان مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معنادار دارد.
- جنسیت با میزان مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معنادار دارد.
- تحصیلات با میزان مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معنادار دارد.
- طبقه اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معنادار دارد.
- پایگاه فرهنگی با میزان مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معنادار دارد.
- احساس عدالت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته از خدمات رفاهی رابطه معنادار دارد.

## روش شناسی

در این مقاله از روش، پیمایش (Survey) استفاده شده است. از میان جامعه آماری مورد مطالعه یعنی تمام سالمندان (بالای ۶۵ سال) بازنشسته تحت پوشش سازمان بازنشستگی شهرداری تهران که ۲۲۵۵ نفر است جمعیت نمونه‌ای با استفاده از فرمول کوکران (۳۸۹ نفر) استخراج شده است. بر روی این جمعیت نمونه با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته داده‌های مورد نیاز گردآوری شده است. لازم به ذکر است که داده‌ها با استفاده از مصاحبه تلفنی گردآوری شده است. همچنین، در این تحقیق برای توصیف داده‌ها از شاخص‌های حدوسط، پراکندگی و توزیع و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و استنباط آماری از تحلیل چند متغیره رگرسیون استفاده شده است. بدین منظور از نرم افزار آماری SPSS استفاده شده است.

## اعتبار و روایی متغیرهای تحقیق

در پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان انطباق مشاهدات و پرسش‌های تحقیق با اهداف اصلی پژوهش، اعتبار صوری مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش، محقق برای تعیین اعتبار با کمک اساتید علوم اجتماعی، از اعتبار صوری برای تعیین اعتبار پرسش-نامه‌ی طراحی شده استفاده کرده است. هم‌چنین با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و آزمون آلفای کرونباخ روایی متغیرهای طبقه اجتماعی، پایگاه فرهنگی، مشارکت اجتماعی، و احساس عدالت اجتماعی به صورت جداگانه حساب شده است.

جدول (۱): نتایج تحلیل عاملی تأییدی و آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد سؤال	KMO	آلفای کرونباخ
طبقه اجتماعی	۵	۰,۶۸	۰,۵۷
پایگاه فرهنگی	۵	۰,۶۱	۰,۵۲
مشارکت اجتماعی	۴	۰,۶۶	۰,۵۶
احساس عدالت اجتماعی	۱۱	۰,۸۵	۰,۸۲

در جدول فوق مقدار KMO و آلفای کرونباخ متغیرهای طبقه اجتماعی، پایگاه فرهنگی، مشارکت اجتماعی و احساس عدالت اجتماعی محاسبه شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بالاترین آلفای متعلق به متغیر احساس عدالت دارد (۰,۸۲). کمترین میزان آلفای کرونباخ نیز به پایگاه فرهنگی تعلق دارد (۰,۵۲). مقدار KMO نیز بیانگر وضعیت قابل قبول همه متغیرهای تحقیق است. در این مورد بیشترین مقدار KMO با ۰,۸۵ متعلق به متغیر احساس عدالت اجتماعی و کمترین مقدار نیز با ۰,۶۱ متعلق به متغیر پایگاه فرهنگی است.

## یافته‌های تحقیق

یافته‌های این مطالعه در دو بخش توصیفی و تحلیلی دسته بندی شده است. در بخش توصیفی نتایج نشان می‌دهند که ۳۲۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد (۸۲,۳ درصد) و ۶۹ نفر از آن‌ها (۱۷,۷ درصد) زن می‌باشند. همچنین ۵,۴ درصد از آزمودنی‌ها وضعیت خود را مجرد، ۸۴,۱ درصد متأهل، ۳,۹ درصد بی‌همسر بدلیل فوت و ۰,۸ درصد بی‌همسر به دلیل طلاق ذکر کرده‌اند. ۵,۷ درصد از

بازنشستگان نیز به سوال در مورد وضعیت تاهل خود جواب نداده‌اند. از نظر میزان تحصیلات نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که ۳۸,۳ درصد تحصیلات زیر دیپلم، ۳۷,۸ درصد، از آن‌ها تحصیلات دیپلم، ۱۳,۶ درصد لیسانس، و ۴,۹ درصد فوق لیسانس و بالاتر داشته‌اند. هم‌چنین ۱ درصد از مصاحبه‌شوندگان به این سوال پاسخ نداده‌اند.

از نظر میزان حقوق و مزایا ۸ درصد از آزمودنی‌ها تا ۱ میلیون تومان، ۲۶,۵ درصد از ۱ تا ۱,۵ میلیون تومان، ۳۰,۳ درصد از ۱,۵ تا ۲ میلیون تومان، ۳۲,۹ درصد از ۲ تا ۲,۵ میلیون تومان و ۷,۲ درصد از بازنشستگان از ۲,۵ میلیون تومان به بالا حقوق و مزایا داشته‌اند. ۲,۳ درصد هم به این سوال جواب نداده‌اند. بدین ترتیب ۹۰ درصد پاسخگویان حقوق ۲,۵ میلیون و یا پایین‌تر دریافت می‌کنند.

یکی دیگر از متغیرهای مهم در این رابطه شغل بازنشسته هنگام بازنشستگی است. در این مورد یافته‌ها نشان می‌دهند که ۱۳,۹ درصد از مصاحبه‌شوندگان در هنگام بازنشستگی کارگر بوده‌اند، ۲۶,۲ درصد از آن‌ها کارمند ساده، ۱۹,۸ درصد کارشناس، ۱۶,۵ درصد کارشناس مسئول، ۱۴,۷ درصد مدیر میانی، ۵,۹ درصد نیز مدیر رده بالا بوده‌اند. تعداد افرادی که در هنگام بازنشستگی کارمند ساده بوده‌اند بیشتر از طبقات دیگر است. هم‌چنین ۳,۱ درصد به سوال در مورد شغل آن‌ها در هنگام بازنشستگی جواب نداده‌اند.

#### شاخص طبقه اجتماعی

میانگین شاخص طبقه اجتماعی ۷,۵۲۲۹، انحراف استاندارد ۱,۹۱۸۲۱ و واریانس ۳,۶۸۰ است. حداقل نمره به دست آمده ۲,۶۷ و حداکثر آن ۱۵ است. همانگونه که در

جدول زیر مشاهده می‌شود، ۱۲,۱ درصد از پاسخگویان طبقه اجتماعی پایین، ۸۰,۳ درصد متوسط و تنها ۷,۵ نیز جزو طبقه اجتماعی بالا به شمار می‌روند.

جدول (۲): طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
پایین	۴۵	۱۲,۱	۱۲,۱
متوسط	۲۹۸	۸۰,۳	۹۲,۵
بالا	۲۸	۷,۵	۱۰۰
کل	۳۷۱	۱۰۰	.....

#### شاخص پایگاه فرهنگی

میانگین شاخص پایگاه فرهنگی ۱۱,۸۲، انحراف استاندارد ۳,۶۹۵ و واریانس ۱۳,۶۵۶ است. حداقل نمره به دست آمده ۴ و حداکثر آن ۲۴ است. همانگونه که در

جدول زیر مشاهده می‌شود، ۳۷ درصد از پاسخگویان پایگاه فرهنگی پایین، ۴۶,۲ درصد پایگاه فرهنگی متوسط و تنها ۱۶,۸ درصد آنها پایگاه فرهنگی بالا داشته‌اند.

جدول (۳): پایگاه فرهنگی

پایگاه فرهنگی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
پایین	۱۴۱	۳۷	۳۷
متوسط	۱۷۶	۴۶,۲	۸۳,۲
بالا	۶۴	۱۶,۸	۱۰۰
کل	۳۸۹	۱۰۰	.....

#### شاخص احساس عدالت اجتماعی

میانگین شاخص احساس عدالت اجتماعی ۲۷,۴۴، انحراف استاندارد ۵,۷۰۰ و واریانس ۳۲,۴۹ است. حداقل نمره به دست آمده ۱۱ و حداکثر آن ۴۱ است. همانگونه که در

جدول زیر مشاهده می‌شود، ۱۵,۴ درصد از پاسخگویان احساس عدالت اجتماعی کم، ۲۵ درصد احساس عدالت اجتماعی متوسط و تنها ۵۹,۶ درصد آنها احساس عدالت اجتماعی زیاد داشته‌اند.

جدول (۴): احساس عدالت اجتماعی

احساس عدالت اجتماعی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۵۶	۱۵,۴	۱۵,۴
متوسط	۹۱	۲۵	۴۰,۰۴
زیاد	۲۱۷	۵۹,۶	۱۰۰
کل	۳۶۴	۱۰۰	.....

#### مشارکت اجتماعی

میانگین شاخص مشارکت اجتماعی ۲۲,۰۷، انحراف استاندارد ۱۶,۳۹ و واریانس ۲۶۸,۶۶ است. حداقل نمره به دست آمده ۱۱ و حداکثر آن ۱۰۰ است. همانگونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، ۸۵,۳ درصد از پاسخگویان مشارکت اجتماعی کم، ۱۲,۳ درصد مشارکت اجتماعی متوسط و ۲,۴ درصد آنها مشارکت اجتماعی زیاد داشته‌اند.

جدول (۵): مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۳۲۵	۸۵,۳	۸۵,۳
متوسط	۴۷	۱۲,۳	۹۷,۶
زیاد	۹	۲,۴	۱۰۰
کل	۳۸۹	۱۰۰	

#### آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این قسمت تلاش شده است تا فرضیه‌های تحقیق را با استفاده از مهمترین و مناسب ترین آزمون‌های آری به آزمون بگذاریم. فرضیه ۱: سن با میزان مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی شهرداری تهران رابطه معنادار دارد.

جدول (۶): ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته و سن

متغیر مستقل: سن		متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی	
۰,۰۰۷	همبستگی پیرسون		
۰,۹۰۲	سطح معناداری		

جدول فوق ضریب همبستگی پیرسون بین سن و میزان مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی پیرسون بین سالمند بازنشسته و سن و ۰,۰۰۷ بسیار ضعیف است. و چون سطح معناداری آن ۰,۹۰۲ است. پس بین متغیرهای مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته و سن رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بنابر این فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر رد می‌شود. فرضیه ۲: جنسیت با میزان مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی شهرداری تهران رابطه معنادار دارد.

جدول (۷): ضریب آزمون فی و ۷ کرامر بین مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته و جنسیت

متغیر مستقل: جنسیت		متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی	
۰,۱۶۸	معناداری		
-۰,۰۷۲	ضریب همبستگی اسپرمن		

جدول فوق ضریب همبستگی اسپرمن بین مشارکت اجتماعی بازنشستگان و جنسیت را نشان می‌دهد. مقدار این ضریب ۰,۰۷- است و چون سطح معناداری آن ۰,۱۶۸ است، فرض صفر را نمی‌توانیم رد کنیم و نتیجه می‌گیریم با این شواهد و مدارک دلیلی برای تأیید فرضیه‌ی تحقیق نداریم؛ پس بین متغیرهای مشارکت اجتماعی بازنشسته و جنسیت رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

**فرضیه ۳:** تحصیلات با میزان مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی شهرداری تهران رابطه معنادار دارد.

جدول (۸): ضریب همبستگی اسپرمن بین مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته و تحصیلات

متغیر مستقل: تحصیلات		
۰,۰۳۴	همبستگی اسپرمن	متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی
۰,۵۰۶	سطح معناداری	

جدول فوق ضریب همبستگی اسپرمن بین مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته و تحصیلات را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته و تحصیلات ۰,۰۶۶ است و چون سطح معناداری آن ۰,۱۹۸ است، فرض صفر تأیید می‌شود. بنابر این نتیجه می‌گیریم با این شواهد و مدارک دلیلی برای تأیید فرضیه‌ی تحقیق نداریم؛ پس بین متغیرهای مشارکت اجتماعی بازنشسته و تحصیلات رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

**فرضیه ۴:** طبقه‌ی اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی شهرداری تهران رابطه معنادار دارد.

جدول (۹): ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته و طبقه اجتماعی

متغیر مستقل: طبقه اجتماعی		
۰,۰۴۵	همبستگی پیرسون	متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی
۰,۳۹۰	سطح معناداری	

جدول فوق ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته و طبقه اجتماعی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر ۰,۰۴۵ است و چون سطح معناداری آن ۰,۳۹۰ است، فرض صفر را نمی‌توانیم رد کنیم، در نتیجه با شواهد فوق فرضیه‌ی تحقیق رد می‌شود. پس بین متغیرهای مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته و طبقه اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

**فرضیه ۵:** پایگاه فرهنگی با میزان مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی شهرداری تهران معنادار دارد.

جدول (۱۰): ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته و پایگاه فرهنگی

متغیر مستقل: پایگاه فرهنگی		
۰,۰۲۹	همبستگی پیرسون	متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی
۰,۵۷۴	سطح معناداری	

جدول فوق ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی تهران و پایگاه فرهنگی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر ۰,۰۲۹ است. همچنین سطح معناداری آن ۰,۵۷۴ است. بنابر این فرضیه پژوهش رد و فرض صفر تأیید می‌شود. پس، نتیجه می‌گیریم با این شواهد و مدارک دلیلی برای تأیید فرضیه‌ی تحقیق نداریم؛ در واقع، بین متغیرهای مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی شهرداری تهران و پایگاه فرهنگی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

**فرضیه ۶:** احساس عدالت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی شهرداری تهران رابطه معنادار دارد.

جدول (۱۱): ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی سالمند بازنشسته و احساس عدالت اجتماعی

متغیر مستقل: احساس عدالت اجتماعی		
-۰,۰۰۱	همبستگی پیرسون	متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی
۰,۹۸۴	سطح معناداری	

بر اساس داده های جدول فوق ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی شهرداری تهران و احساس عدالت اجتماعی ۰.۰۱- است و چون سطح معناداری آن ۰.۰۹۸۴ است، فرض صفر را نمی توانیم رد کنیم و نتیجه می گیریم با این شواهد و مدارک دلیلی برای تایید فرضیه ی تحقیق نداریم؛ پس بین متغیرهای مشارکت اجتماعی سالمندان بازنشسته سازمان بازنشستگی شهرداری تهران و احساس عدالت اجتماعی رابطه ی معناداری وجود ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

مشارکت اجتماعی بعد از دوران بازنشستگی از مهمترین موضوع های دوران سالمندی و بازنشستگی است که در صورت مطلوب می تواند دوران بانشاط و سرشار از فعالیت برای آنها رقم بزند. این موضوع مهم در کانون این مقاله قرار داشت. در واقع، این مطالعه با هدف تبیین ارتباط عوامل اجتماعی و فرهنگی با میزان مشارکت اجتماعی بازنشستگان سازمان بازنشستگی شهرداری تهران انجام شد. همچنین ارتباط این متغیر با متغیرهای زمینه ای مانند جنس، سن و تحصیلات نیز سنجیده شد. همانطور که نشان داده شد نتایج این مطالعه هیچگونه ارتباط معناداری بین متغیر وابسته، یعنی مشارکت اجتماعی و متغیرهای مستقل نشان نمی دهد. در واقع، تمامی فرضیات این پژوهش که بیانگر ارتباط معنادار بین مشارکت اجتماعی و متغیرهای مستقل بودند رد شدند. نتایج توصیفی نیز بیانگر مشارکت پایین اکثریت بازنشستگان سازمان بازنشستگی شهرداری تهران بود. همانطور که گفته شد ۸۵٫۳ درصد از پاسخگویان مشارکت اجتماعی کمو تنها ۲٫۴ درصد آنها مشارکت اجتماعی زیاد داشته اند. بنابر این، در توضیح نتایج به دست آمده می توان گفت مشارکت پایین در اکثر قریب به اتفاق پاسخگویان هرگونه ارتباط آن با سایر متغیرها را بی معنا کرده است. وقتی وضعیت متغیر وابسته در اکثریت پاسخگویان به یک صورت باشد به معنای عدم تغییر آن متغیر است. در واقع، سطح تغییرات این متغیر در بین افراد به شدت پایین بوده و از وضعیت یکسان پاسخگویان در متغیر مشارکت اجتماعی حکایت دارد. در واقع، این عدم ارتباط معنادار می تواند بیانگر این باشد که فارغ از میزان تحصیلات، جنسیت، تفاوت سنی و حتی پابگاه طبقاتی و فرهنگی، بازنشستگان در دوران بازنشستگی و سالمندی کمتر تمایل به مشارکت اجتماعی دارند.

پس جهت بالا بردن میزان مشارکت آنها باید دنبال متغیرهای دیگری برای سایستگذاری بود. به طور کل نتایج این تحقیق با هیچ یک از نتایج به دست آمده در مطالعات دیگر همسویی ندارد. بجز اینکه در اغلب این مطالعات نیز میزان مشارکت بازنشستگان و سالمندان پایین گذارش شده است. برای مثال نتایج تحقیق علی درویش پور کاخکی و همکارانشان داد که ۳۷/۷ درصد از سالمندان تمایلی برای شرکت در فعالیت های اجتماعی نداشته اند. اما نتایج این مطالعه برخلاف آنچه ما در مطالعه خود به آن رسیدیم نشان داد که سالمندان با سن پایین تر، مرد، متأهل، دارای تحصیلات دانشگاهی و با تعداد فرزندان کمتر دارای مشارکت بهتری هستند. همچنین، یافته های مطالعه میلاد برجی و دیگراندر شهر ایلام نشان داد که بین مشارکت اجتماعی افراد سالمند با سن، جنسیت و تحصیلات ارتباط معناداری وجود دارد.

در میان مطالعات مرور شده نتایج مطالعه یروزاد مرادی و دیگران بیانگر نکته مهمی است که می توان بخشی از نتایج به دست آمده در مطالعه ما را توضیح دهد. در این مطالعه نشان داده شده که مشارکت غیر نهادی در بین سالمندان غلبه بیشتری دارد. این در حالی است که در مطالعه ما تأکید روی مشارکت اجتماعی نهادی بوده است. بنابر این ممکن است بین متغیرهای مستقل تحقیق حاضر با سایر ابعاد مشارکت اجتماعی ارتباط معناداری وجود داشته باشد. از این رو پیشنهاد می شود در مطالعات بعدی روی سایر ابعاد مشارکت اجتماعی مانند مشارکت بین فردی و مشارکت در فعالیت های جمعی خانوادگی تأکید بیشتری صورت گیرد. شاید سالمندان با رسیدن به دوران بازنشستگی دیگر تمایلی به مشارکت نهادی نداشته باشند و بیشتر در فعالیت های جمعی غیر نهادی مانند فعالیت های دسته جمعی خانوادگی، دوستانه و غیره مشارکت کنند.

۱. باری، نورمن (۱۳۸۰)، رفاه اجتماعی، ترجمه اکبر میر حسینی و مرتضی نوربخش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۲. برجی، میلاد، مرادی، محسن، مهدیان کیومرث، بهمن پور، کاوه، ماوخاصیف ساسان و سلیمی، ابراهیم (۱۳۹۴)، مقایسه مشارکت اجتماعی سالمندان وابسته و مستقل شهر ایلام در سال ۱۳۹۴، نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری، زمستان ۱۳۹۵، دوره ۳، شماره ۲
۳. پتريک، تونی فیتز (۱۳۸۱)، نظریه رفاه، ترجمه هرمز همانیون پور، تهران: گام نو.
۴. درویش پور کاخکی، علی، عابد سعیدی، ژیل و عباس زاده، عباس (۱۳۹۳)، مجله مدیریت ارتقای سلامت: فصلنامه علمی پژوهشی انجمن پرستاری ایران، دوره سوم شماره ۴، پاییز ۱۳۹۳
۵. دواتی، علی و جمالی، اختر (۱۳۸۳)، بهره مندی بازنشستگان شهر تهران از خدمات ویژه اوقات فراغت، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، صص ۱۲۳-۱۳۷.
۶. ربانی، رسول و همکاران (۱۳۸۸)، رابطه ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، صص ۹۱-۱۰۸.
۷. رحمان، آرش و ستایشی، سعید (۱۳۸۶)، نقش توزیع ثروت، وراثت و کنترل جمعیت در رفاه اجتماعی: شبیه سازی رفاه اجتماعی در جامعه مصنوعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، صص ۱۸۳-۲۰۰.
۸. رحیق اقصان، علی (۱۳۸۴)، دانشنامه در علم سیاست، تهران: فرهنگ صبا.
۹. زاهدی، محمدجواد و همکاران (۱۳۸۸)، رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، صص ۱۰۹-۱۲۹.
۱۰. سام آرام، عزت الله (۱۳۸۲)، سیاست اجتماعی و خدمات اجتماعی فردی (مددکاری اجتماعی)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، صص ۲۴۵-۲۶۴.
۱۱. سام، شیما، محمودی، یاسمن، تیرگر، آرام (۱۳۹۴)، وضعیت بازنشستگان در بازنشستگی، نشریه سالمندی ایران، دوره ۱۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴
۱۲. سام آرام، عزت الله و امین آقایی، مهرناز (۱۳۸۵)، سیاستهای اجتماعی برای سالمندان در ژاپن و سوئد و الگوی مناسب برای سالمندان ایران، سالمند، شماره ۲، صص ۸۸-۱۰۰.
۱۳. سلیمی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۳)، بررسی سلامت روان و رضایت از زندگی سالمندان بازنشسته مراجعه کننده به کانون بازنشستگی دانشگاه های علوم پزشکی جندی شاپور و شهید چمران اهواز، فصلنامه پرستاری و سالمندان، سال اول، صص ۲۰-۳۱.
۱۴. شیانی، ملیحه و زارع، حنان (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر برنامه های اجتماع محور بر رفاه ذهنی سالمندان، سالمند، شماره ۲۹، صص ۱۶-۲۹.
۱۵. علی پور، فردین و همکاران (۱۳۸۸)، نقش حمایت های اجتماعی در کیفیت زندگی سالمندان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، صص ۱۴۷-۱۶۵.
۱۶. قانع راد، محمدامین و خسروخاور، فرهاد (۱۳۸۶)، جنبش های اجتماعی جدید: پایان مبارزه برای رفاه و سیاست اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، صص ۲۳۵-۲۶۷.
۱۷. کتابی، محمود و همکاران (۱۳۸۴)، دولت و بحران رفاه و توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، صص ۱۳-۴۱.
۱۸. کوششی، مجید و همکاران (۱۳۹۲)، تاثیر حمایت های اجتماعی غیر رسمی بر کیفیت زندگی سالمندان بازنشسته به مثابه یک مسئله اجتماعی: مطالعه صندوق تامین اجتماعی و صندوق صنعت نفت، نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دره ۴، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۳۰.
۱۹. گل پرور، محسن و همکاران (۱۳۸۸)، نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه با همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، صص ۱۳۱-۱۶۶.
۲۰. مرادی، شیرزاد، فکرآزاد، حسین، موسوی، میرطاهر و عرشی ملیحه (۱۳۹۱)، مجله سالمندی ایران، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۹۱
۲۱. معصومی، نسرین و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی استقلال سالمندان بازنشسته و عوامل موثر بر آن در شهر رشت، دوفصلنامه دانشکده های پرستاری و مامایی استان گیلان، شماره ۶۵، صص ۴۶-۵۱.

22. Bengston, V. L. and Poutney, N. (2009), Handbook of Theories of Aging: Springer.

23. Gubrium, J.F (1972), Toward a Socio-Environmental Theory of Aging, the Gerontologist, autumn, pp 281-284.

24. Irvall, B (2002), Library Services to Institution for Elderly in Sweden, 68th IFLA Council and General Conferences.

25. Kalache, A. (2002), "Compression of Morbidity and Active Aging: Key Priorities for Public Health Policy in the 21th Century", the International Journal of Public Health, 80(3): 243-244.
26. Laslett, P. (1998), a Fresh Map of Life: the Emergence of the Third Age, London, Weidenfeld and Nicolson.
27. Ready for Aging? (2012). Published by the Authority of the House of Lords: The Stationary Office Limited, Published 14 March 2013.